

ب

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقد بر کتاب
عیون الحکم و الموعظ و الموعظ والوالی
محمد کاظم عبداللهی

این کتاب در سال ۱۳۷۶ ه. ش برای اولین بار توسط یکی از مؤسسات فرهنگی چاپ و منتشر گردید. بیشتر کارهای تحقیقاتی عیون الحکم در مجمع احیاء فرهنگ اسلامی صورت گرفت و پیشنهاد چاپ کتاب توسط مجمع به آن مؤسسه محترم داده شد، ولی هنگام پیشنهاد چاپ، هنوز کارهای تحقیقاتی کتاب به پایان نرسیده و چهره کتاب کاملاً مشخص نشده بود، و تنها ظاهر کتاب با مقدمه جالب آن باعث اقدام به تحقیق و چاپ آن شده بود، و بنا به وعده‌ای که در امر تحقیق کتاب و بررسی نهایی آن به محقق آن داده بودم، کار بازنگری و تطبیق بر نسخه‌ها و نوشتن مقدمه را آغاز نمودم، و برای تخریج احادیث کتاب از معجم المفهرس غرر الحکم استفاده فراوان نمودم، و از این طریق رازهای نهان کتاب آشکار شد، و متوجه شدم که عمده احادیث عیون الحکم از غرر الحکم گرفته شده، اما با جابجائی و پس و پیش کردن کلمات و تغییر در ترتیب آنها، به ظاهر شکل دیگری پیدا نموده اما هیچگونه ارزش افزوده‌ای ندارد، جز اینکه در حکم نسخه تحریف شده غرر الحکم باشد و گاهی بتوان برای تصحیح برخی کلمات غرر از آن استفاده کرد، و نیز جز اینکه برای همیشه تاریخ چهره کتاب کاملاً مشخص شده فایده دیگری در بر ندارد. به هر حال، برای حفظ امانت، و به جهت صیانت از فرهنگ و اداء حق علم، مقدمه‌ای دیگر غیر از آنچه در ابتدای کار تحقیق نوشته بودم و به مؤسسه پیشنهاد شده بود برای کتاب نوشتم و این مقدمه نوین را به مؤسسه مزبور ارائه دادم، ولی برخی از مسؤولین مؤسسه ترجیح دادند که کتاب با همان مقدمه اول چاپ شود، و پیشنهاد نمودند که مقدمه دوم به صورت نقد در یکی از مجله‌ها پس از پایان چاپ کتاب منتشر گردد، مجمع نیز به دلایلی با این پیشنهاد موافقت کرد، و در سال

۱۳۷۸ ش در یکی از مجلات گزیده‌ای کوتاه از این مقدمه چاپ شد، و در سال ۱۳۷۹ ش مقاله‌ای توسط آقای حسن انصاری قمی در مجله کتاب ماه دین شماره (۳۵) به عنوان «ابن الشریفه و عیون الحکم والمواعظ» که شامل نکات ارزنده‌ای به خصوص راجع به مؤلف بود چاپ و منتشر گردید. به هر حال، مدتی از چاپ کتاب گذشت ولی باز هم جای خالی مقدمه دوم به صورت کامل احساس می‌شد، چراکه بسیاری از افراد کتاب را تهیه نموده در حالی که از وضعیت واقعی کتاب بی‌خبرند، علاوه بر آن مقدمه مؤلف نیز همراه با کتاب چاپ نشده بود، این علت، و نیز پیشنهاد برخی از شخصیت‌های فرهنگی و اجرایی کشور پس از اطلاع از وضع کتاب، مرابراین داشت که با بازنگری مجدد در این مقدمه و ضمیمه نمودن مقدمه مؤلف بدان، اقدام به نشر آن نمایم، باشد که محققین و اهل علم از آن استفاده نموده، و به روشنگری در زمینه فرهنگی گامی برداشته باشیم، ابتدا مقدمه تحقیق، و سپس مقدمه مؤلف به اطلاع عزیزان خواننده خواهد رسید:

مقدمه تحقیق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وبعدها این مقدمه‌ای است مختصر پیرامون کتاب عیون الحکم والمواعظ و نویسنده آن و شیوه تحقیق کتاب.

۱. کتاب

در این قسمت پیرامون نام کتاب، محتوای آن، ترتیب، مأخذ و نسخه‌های آن بحث می‌شود.

الف- اسم کتاب

آنگونه که در دیباچه کتاب آمده، نام کتاب «عیون الحکم والمواعظ وذخیره المتعظ والواعظ»

می‌باشد.

در بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۳۶ چاپ بیروت، و در چاپ تهران ج ۷۸ ص ۳۶، باب ۱۶ «باب ما جمع من جوامع کلم أمير المؤمنين (ع)» چنین آمده است: «و کذا الشيخ علی بن محمد اللیثی الواسطی فی کتاب «عیون الحکم والمواعظ وذخیره المتعظ والواعظ» الذی قد سمیناه (اختصاراً) بکتاب العیون والمحاسن». و نظیر چنین تعبیرهایی در کتابهای «ریاض للعلماء» و «کشف الحجب والأستار» نیز آمده است. و گاهی نیز به اسم «عیون الحکمه» نامیده شده است.

ب- محتوای کتاب

مؤلف در مقدمه کتاب چنین می‌گوید:

«أما بعد، فان الذی حدانی علی جمع فوائد هذا الكتاب، من حکم أمير المؤمنين أبي تراب، ما بلغنی من افتخار أبي عثمان الجاحظ، حين جمع المئه حکمه الشارده عن الاسماع... فکثر تعجبی منه.. کیف رضی لنفسه أن یقع... من الكثير بالأقل... ولکونی رأیت أكثر طالبی العلم... منحرفین عن سنن الحق... فالزمت نفسی أن أجمع قليلاً من حکمه... وبلاغاته وعظاته، وأدابه وأدعیته...»

بنابراین سخن، مبنای مؤلف جمع آوری سخنان حکمت آمیز امیر مؤمنان (ع) می‌باشد، اما همچنان که خواهیم گفت وی به قول خود پایبند نبوده و کلماتی از غیر حضرت علی (ع) نیز در کتاب آورده است بدون این که اشاره یا علامتی برای آن قرار داده باشد.

ج- ترتیب کتاب

مؤلف در مقدمه خود بر کتاب چنین آورده است: «و قد وضعته علی ثلاثین باباً، وأحد و تسعين فصلاً، ثلاثة عشر ألفاً ستمه وثمانیه و عشرين

حکمه ، منها علی حروف المعجمة تسعة و عشرون باباً، و الباب الثلاثون آوردت فيه مختصرات من التوحيد و الوصايا و مذمه الدنيا و المواعظ و الادعية و المکاتبات ما اختصرته و استحسنته و استصوبته». ترتیب کتاب همان ترتیب غررالحکم است، و حکمتهای آن نیز عموماً از غرر است، ولی با این فرق که:

۱. حکمتها را پس و پیش کرده
۲. برخی فصلها را در هم ادغام نموده است
۳. در ابتدای هر باب تعداد حکمتهای آن باب را با ذکر رقم مشخص کرده

۴. یک باب در آخر کتاب افزوده، که این باب شامل بیش از سه هزار حدیث می باشد، و مجموع احادیث ابواب سیزده هزار و ششصد و بیست و هشت عدد است که حوالی ده هزار تایی آن متعلق به ابواب بیست و نه گانه کتاب و حوالی سه هزار و هفتصد حدیث متعلق به باب سی ام کتاب می باشد.

باب سی ام کتاب مفقود می باشد و تاکنون یافت نشده است، تنها علامه مجلسی: در بحار الانوار بخشی از آن را در جلد ۱۷ ص ۴۲۵-۴۴۴ حدیث ۴۳ به بعد نقل کرده و مشخصات برخی از فصلهای این باب را نیز بیان نموده است، وی در ابتدای نقل می گوید:

«من کتاب عیون الحکم و المواعظ لعلی بن محمد الواسطی استنسخناه من أصل قدیم فی المواعظ و ذکر الموت و هو خمسمائة و ثلاثون حکمه».

هم چنین درج ۷۳ ص ۱۰۸ ح ۱۰۹ باب حب الدنيا و ذمها، و نیز ج ۷۷ ص ۳۰۲ تا ۳۰۳ از این کتاب نقل نموده است.

مرحوم صاحب ریاض العلماء در کتاب خود جلد ۴ ص ۲۵۳ تصریح کرده که تمامی نسخه هائی که دیده، فاقد باب سی ام بوده است. و جالب توجه

اینکه علامه مجلسی: در بحار الانوار از بابهای بیست و نه گانه کتاب هیچ مطلبی نقل نکرده، و شاید بدین علت که آن را مشابه غررالحکم یا شبیه نسخه ای از آن می دیده، ولی از باب سی ام که دیگر شبیه غرر نمی باشد نقل نموده، و شاید به دلیل بی دقتی مؤلف در نقل، تنها به ذکر نمونه هایی از آن اکتفا کرده است. با در نظر گرفتن این نکته که مؤلف آنجا که با پس و پیش نمودن احادیث غررالحکم حدیث نقل



می کند از محدوده کلمات امیرالمؤمنین (ع) خارج نشده، و در آنجا که گاهی از خصال شیخ صدوق و غیره مطلب نقل کرده کلمات امیرالمؤمنین و غیر آن را آورده است، حدس قوی این است که باب سی ام که خارج از محدوده غرر بوده معجونی از کلمات امیرمؤمنان و دیگران حتی غیر معصومین بوده.

آماری که مصنف در ابتدای هر باب ذکر نموده چنین است: الف (۴۱۶۴)، ب (۲۶۳)، ت (۱۲۱)، ث

(۱۴۵) ج (۶۵)، ح (۱۳۴)، خ (۱۴۵)، د (۶۰)، ذ (۴۴)، ر (۲۱۴)، ز (۶۴)، س (۱۴۲)، ش (۱۲۵)، ص (۹۳)، ض (۴۰)، ط (۹۶)، ظ (۴۳)، ع (۲۳۳)، غ (۸۵)، ف (۱۵۲)، ق (۲۰۵)، ک (۴۱۷)، ل (۳۱۰)، م (۱۴۵۶)، ن (۱۱۰)، هـ (۶۰)، و (۸۸)، لا (۷۳۴)، ی (۱۱۰)، که جمع آنها (۹۹۱۸) می‌شود. اما احادیثی که در کتاب آمده حتی با توجه به احادیث تکراری - که در چاپ کتاب آنها حذف شده - با این آمار مغایرت دارد، عدد احادیث هر باب چنین است: الف (۳۷۴۵)، ب (۲۷۵)، ت (۱۱۲)، ث (۱۵۴)، ج (۷۱)، ح (۱۳۶)، خ (۱۵۸)، د (۶۱)، ذ (۴۵)، ر (۲۲۷)، ز (۶۷)، س (۱۴۴)، ش (۱۳۶)، ص (۹۵)، ض (۴۰)، ط (۹۹)، ظ (۴۴)، ع (۲۵۴)، غ (۹۰)، ف (۱۵۵)، ق (۲۰۴)، ک (۲۳۷)، ل (۳۶۸)، م (۱۹۶۸)، ن (۱۲۶)، هـ (۶۱)، و (۸۷)، لا (۷۶۹)، ی (۱۲۵)، که جمع آنها (۱۰۲۵۳) می‌شود. آمار اولیه نه با صورت تلفیق بین دو نسخه سازگار است، و نه با صورت تفکیک آنها، و نه با صورت حذف احادیث تکراری. به هر حال جامعه فرهنگی نیرومند ما توجه چندانی به این کتاب ننموده و حاضر به استنساخ آن به خصوص باب سی ام نشده، و حتی کسی از آن اقتباس ننموده و بدان ارجاع نداده است، و این نشان دهنده صلابت و سلامت فرهنگی پیروان اهل بیت (ع) است که از هر کتاب و هر مؤلف حدیث نقل نمی‌کنند. نکته دیگری که اینجا باید یادآور شویم این است که برخی به اشتباه این کتاب را بزرگترین مجموعه کلمات قصار امیر مؤمنان (ع) می‌دانند، در حالی که غررالحکم با داشتن یازده هزار و پنجاه حدیث حدود یکهزار کلمه بیشتر از این کتاب دارد و همچنان جایگاه نخست را به خود اختصاص داده است، و انگهی هر چه کتاب عیونالحکم دارد از غرر است و اندکی از خصال و غیره می‌باشد. بنا به آماري که مؤلف از ۲۹ باب و همچنین از جمع تمامی ابواب در مقدمه ذکر

نموده است، کلمات قصار ۹۹۱۸ عدد می‌باشد و مابقی که ۳۷۱۰ کلمه است مربوط به باب سی ام است و جزو کلمات قصار نیست، و بنا بر وضعیت فعلی کتاب و بر حسب تلفیق بین دو نسخه مورد اعتماد در چاپ اول، جمع کلمات بابهای ۲۹ گانه (۱۰۲۵۳) عدد است و مابقی از باب سی ام می‌باشد. یکی از اشکالاتی که بر این کتاب و بر غررالحکم وارد است این است که در تهیه کلمات قصار تنها به ظاهر و کمیت و سجع و قافیه و بالا بردن آمار توجه شده و چندان توجهی به معنی و کیفیت نشده است، و گاهی به خاطر آوردن کلمه‌ای که اوکش آن حرف مورد نظر باشد کلام را تقطیع کرده و به صورت ناقص می‌آورند، و حتی گاهی آیات قرآن را به اشتباه جزو کلمات قصار آورده‌اند، و دیگر مواردی که اینجا چندان جای بحث از آن نمی‌باشد و باید در مقدمه غررالحکم مورد دقت و پی‌گیری قرار گیرد.

مأخذهای کتاب

مؤلف در مقدمه به بیان منابع پرداخته و چنین گفته است: «اقتضیه من کتب متبده و مظانہ مشرّده، و مصنّفات مشهوره، مسنده الی ائمه مقطوع بفضلهم و ریاستهم و اماناتهم فی روایاتهم و نقلهم مثل:

۱. کتاب نهج البلاغه جمع الرضی ذی الحسین؛
۲. وما کان جمعه أبو عثمان الجاحظ.
۳. و من کتاب دستور [معالم] الحکم و مأثور مکارم الشیم، جمع القاضی أبی عبدالله محمد بن سلامه بن جعفر بن علی القضاعی.
۴. و من کتاب غرر الحکم و درر الکلم، جمع القاضی أبی الفتح عبدالواحد بن محمد بن عبدالواحد الامدی التیمی.
۵. و من کتاب مناقب الخطیب أحمد بن مکی الخوارزمی خطیب خوارزم.

عرومن کتاب متنور الحکم.

۷. ومن کتاب الفرائد والقلائد تألیف القاضی اَبی یوسف یعقوب بن سلیمان الأسفراینی.
۸. ومن کتاب الخصال تألیف الشیخ اَبی جعفر محمد بن علی بن بابویه. وغیرهم من لأصحاب التصانیف ما لورمت ذکرهم و ذکر أَسانیدهم لطلال علی و وقع منه الضجر والملال».

اما متأسفانه پس از بررسی دقیق مشخص شد که نزدیک به صد در صد مطالب کتاب (البته ۲۹ باب موجود) از غرر الحکم گرفته شده. گاهی از یک حکمت دو حکمت ساخته و یا به عکس، و شیوه نقل از غرر نیز عجیب است، گاهی در یک باب از اوک فصل شروع کرده یکی در میان نقل می کند تا به آخر باب می رسد، آنگاه برگشته و هر چه را جا گذاشته نقل می کند، و در باب دیگر از آخر و یا از وسط باب شروع می کند و به جلو و یا به عقب می رود، مقداری را نقل می کند و مقداری را رها می نماید، سپس آنهایی را که رها کرده در پایان می آورد.

در حکمتهای غرر الحکم مراعات سجع شده و هر دو یا سه حکمت دارای یک سجع می باشند، ولی مؤلف عیون اینها را چندان رعایت نکرده و در بسیاری از موارد سجع را به هم ریخته است، و گاهی در این رفت و آمدهایی که داشته و یکی را نقل کرده و دیگری را رها نموده، دچار اشتباه شده و حکمتهایی را که قبلاً ذکر کرده دوباره آنها را تکرار نموده است.

البته مؤلف کتاب به طور قطع مشخص نیست، آیا مؤلف ابن الشرفیة واسطی است چنانچه در برخی از نسخ خطی کتاب آمده، یا علی بن محمد لیشی واسطی است چنانچه در بحار آمده، و یا هر دوی اینها یکی است، و یا اینکه هیچکدام نمی باشد و مؤلف دیگری است؟ به هر حال ما کاری به نویسنده کتاب و انگیزه او نداریم، بلکه

هدف ما از زیابی عیون الحکم است، آن گونه که هست و می بینیم. شبیه این رویه در کم و زیاد کردن کتابهای دیگران، در برخی کارهای دیگر نیز مشاهد شده است، از جمله این حجر عسقلانی در کتاب لسان المیزان: ج ۷ ص ۴۰۹ در شرح حال یحیی بن ابی طی حلبی که معاصر مؤلف عیون الحکم بوده است، به نقل از یاقوت حموی چنین می گوید:

«... کتابهای دیگران را می گرفته و آنها را استنساخ می نموده، آنگاه با پس و پیش کردن و کم و زیاد نمودن آن اسم تازه ای بر آن می گذاشته است، و با ترتیب زیبایی که به کتاب می داد دیگران به اشتباه می افتادند...».

کتابهای ابن ابی طی به دستمان نرسیده تا بتوانیم راجع به صحت و سقم این مطلب اظهار نظر کنیم، ولی این سخنان راجع به کتاب عیون الحکم از هر مؤلفی باشد صادق است، و قبل از این کتاب و پس از آن تاکنون حتی در کتابهای چاپی سرقتهای فرهنگی فراوان صورت گرفته است. پس از غرر الحکم مؤلف گاهی از کتاب خصال شیخ صدوق مطالبی را نقل کرده که اگر نقل نمی کرد بهتر بود، زیرا کلماتی از پیامبر و امیر مؤمنان و امام باقر و امام صادق و امام رضا (ع) آورده و تمام آنها را به عنوان کلمات امیر مؤمنان (ع) معرفی کرده است چرا که مبنای کتاب بر این است، البته ما در پاورقیهای کتاب این موارد را مشخص نموده ایم. اما کتابهای دیگر که مؤلف به عنوان مصادر کتاب نقل کرده، قدری ناچیز از (دستور معالم الحکم) نقل کرده، و از دیگر منابع معلوم نیست چیزی را نقل نموده باشد مگر در موارد بسیار اندک، و یا ممکن است در باب سی ام کتاب بوده که فعلاً این باب در دسترس نیست تا از زیابی نهایی شود.

تمام کتابهایی که مؤلف در مقدمه نام برده چاپ

شده و در دسترس می‌باشد به جز «فرائد و فلائد» اسفرائینی که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مدرسه مروی تهران موجود است و در قرن ششم کتابت شده است، و حاجی خلیفه در کشف الظنون آن را به نام «فلائد الحکم و فرائد الکلم» معرفی کرده است. و کتاب «منثور الحکم» نویسنده آن مشخص نیست، و حاجی خلیفه در کشف الظنون: ص

ص ۳۶ در تعریف این کتاب چنین می‌گوید: «مشمول بر کلمات امیرمؤمنان و دیگر امامان»، صاحب ریاض در وصف کتاب می‌گوید: «این کتاب گرفته شده از غررالحکم و غیره است».

نسخه‌های کتاب

۱. نسخه کتابخانه مرحوم آیت‌الله مرعشی در قم



۱۵۸۵ پس از ذکر نام کتاب چنین آورده است: «این کتاب هشت باب در کلمات حکمیّه دارد، باب اول در علم و عقل، دوم در زهد و عبادت، سوم در ادب زبان، چهارم در ادب نفس، پنجم در مکارم اخلاق، ششم در خوشرفتاری، هفتم در سیاستمداری، هشتم در گفتار نیکو و بلاغت. همانگونه که ملاحظه می‌کنید معلوم نیست که این کتاب از کلمات امیرالمؤمنین (ع) باشد. علامه مجلسی (ره)؛ که آشنایی کامل به حدیث و کتابهای حدیثی داشته چندان توجهی به مقدمه مؤلف نکرده است، وی در جلد ۷۸ بحارالانوار

به شماره (۴۴۴۰) در ۱۸۳ برگ، نوشته علی یوسف قدسی در تاریخ ۸۹۲ هجری قمری، و این نسخه کهن‌ترین نسخه کتاب است.
۲. نسخه ناسخ‌التواریخ. کتاب معروف ناسخ‌التواریخ نوشته میرزا محمد تقی کاشانی متوفای سال ۱۲۹۷ و فرزندش میرزا هدایت‌الله، در این کتاب برخی از کتابهای تاریخی، رجالی و روایی از جمله کتاب عیون‌الحکم بطور کامل درج شده است، ولی تنها مقدمه کتاب را نیاورده و به جای آن مقدمه‌ای از میرزا محمد تقی مؤلف ناسخ آمده و نام مخصوصی برایش انتخاب ننموده، بلکه آن را جزو ناسخ‌التواریخ قرار داده

است.

۳ و ۴. دو نسخه در دانشگاه تهران به شماره (۶۹۱۹) نوشته سال ۱۲۴۲، و به شماره (۴۲) نوشته سال ۷۰۹ و آن از روی نسخه سال ۶۱۴ می باشد. (فهرست کتابخانه دانشگاه تهران: ۲: ۱۵۸، الذریعه: ۱۵: ۳۸۰). بادر نظر گرفتن منابع کتاب که منتهی می شود به نیمه دوم قرن ششم و توجه به تاریخ ۶۱۴ این نسخه، معلوم می شود که تاریخ تألیف کتاب باید حدود همین سال باشد.

۵. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره (۶۸۲۱) نوشته شده در سال ۱۰۲۷.

۶ و ۷. دو نسخه کتابخانه مدرسه شهید مطهری تهران به شماره (۱۷۸۴ و ۱۷۸۵)، یکی از آنها نوشته شده به سال ۱۰۸۵ می باشد. (فهرست کتابخانه: ۲۸۳/۱ و ۲۷۴/۲، الذریعه: ۱۵: ۳۸۰). ۸. نسخه مجلس شورای اسلامی به شماره (۱۲۷۹).

(فهرست: ج ۴/۵۷).

۹. نسخه دیگری در کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی قم به شماره (۵۹۵۸) نوشته شده در سال ۱۱۳۸.

و کتاب غررالحکم که در حکم یک نسخه برای کتاب عیونالحکم، بلکه اصل کتاب میباشد، و تمام حکمتهای عیون بر غرر عرضه گشت و مواردی که در غرر نبود آنها را در پاورقی مشخص نموده ایم، و موارد اختلاف با غرر نیز ثبت شده است، و عیونالحکم در حکم نسخه درجه دوم برای غررالحکم می باشد. نسخه تلخیص شده ای از عیونالحکم به نام «المحکم المنتخب من عیونالحکم» توسط احمد بن محمد بن خلف نوشته شده به سال ۱۱۵۲ در کتابخانه «جامعه القرویین» شهر فاس مراکش موجود است. (فهرست کتابخانه: ۲: ۴۰۵، مجله تراثنا: ۵: ۶۰)

۲. مؤلف کتاب

بنابر نقل علامه مجلسی در بحار مؤلف علی بن

محمد لیشی واسطی می باشد، و تعدادی از نسخه های نام مؤلف را در بر ندارد، به هر حال از علی بن محمد لیشی واسطی هیچگونه اطلاعی نداریم، و بعید نیست که وی مؤلف کتاب باشد مخصوصاً با توجه به این نکته که مرحوم مجلسی نسخه خوب و کاملی از کتاب را داشته و ظاهراً غیر از ایشان شخص دیگری نسخه کامل کتاب را نداشته است، و ایشان تصریح نموده که مؤلف مجهول است، جهت اطلاع بیشتر مراجعه شود به بحار الانوار: ج ۱ ص ۳۴.

و بنابر آنچه در برخی نسخه های خطی کتاب آمده، مؤلف الکافی علی بن محمد بن ابی نزار ابن الشرفیه واسطی است، برخی این قول را ترجیح داده اند، و برخی او را با علی بن محمد لیشی واسطی متحد دانسته اند ولی هیچ دلیلی برای آن ذکر نکرده اند.

شرح حال ابن الشرفیه تا حدودی روشن می باشد، و مادر اینجا گزیده ای از آنچه مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی در شماره (۵) مجله تراثنا: ص ۵۶ مرقوم نموده اند ذکر می کنیم: «ابن الشرفیه بن محمد بن الحسن بن ابی نزار اللیشی الواسطی من اعلام القرن السادس وربما السابع أيضاً».

ذکره ابن الفوطی فی معجم الألقاب فقال: فخرالدین أبوالحسن علی بن محمد بن نزار الواسطی الأديب.

وفی ترجمه ابن ابی طیء الحلبي یحیی بن حمیده المتوفی سنه ۶۳۰ من طبقات أعلام شیعہ قال: قرأ علی الشیخ فخرالدین علی بن محمد بن نزار ابن الشرفیه الواسطیه.

وروی عنه السید علاءالدین حسین بن علی بن مهدی الحسینی السبزواری، بمدینه الموصل فی ۱۷ شوال من سنه ۵۹۳.

ویروی ابن الشرفیه عن الشیخ رشید الدین

أبي الفضل شاذان بن جبريل القمي من أعلام ق ٤
وقال صاحب رياض العلماء ٤: ١٨٦: قال قطب
الدين الكيدري عند ذكر اسم هذا: الشيخ الأجل
العالم كافي الدين أبو الحسن علي بن محمد بن
أبي نزار ابن الشرفيه الواسطي.

وله قصه مثبتة في نهاية كتاب مناقب أمير المؤمنين
لابن المغازلي لواسطي هكذا: قال أبو الحسن علي
بن محمد ابن الشرفيه حضر عندى فى دكانى
بالوراقين بواسط يوم الجمعة ٥/ ذى القعدة ٥٨٠ ق
القاضى العدل جمال الدين نعمه الله بن على بن
أحمد بن العطار والأمير شرف الدين أبوشجاع
ابن العنبرى الشاعر، فسأل شرف الدين القاضى
جمال الدين أن يسمعه المناقب فابتدا
بالقراءة عليه من نسختى التى بخطى فى دكانى
يومئذ... فهما فى القراءة اجتمع عليهما
جماعه اذا اجتاز أبو نصر قاضى العراق وأبو العباس
ابن زنبقه... فوقفا يغوغيا وينكران عليه
قراءة المناقب... فضجر القاضى ابن العطار وقال
بمحضرة جماعه كانوا وقوفاً: «اللهم ان كان لأهل
بيت نبيك عندك حرمة ومنزله فاحسب به و
بداره وعجل نكايته»، فبات ليلته تلك، وفى
صبيحتها يوم السبت ٦/ ذى القعدة ٥٨٠ خسف الله
بداره فوقعت هى والقنطرة وجميع
المسنأه الى دجله تلف منه فيها جميع ما كان
يملك... فكانت هذه من أطراف ما شوهد يومئذ
من مناقب آل محمد صلوات الله عليهم، فقال على
بن محمد ابن الشرفه ذلك اليوم فى هذا المعنى:

يا أيها العدل الذى

هو عن طريق الحق عادل

متجنباً سبل الهدى

والى سبيل الغي مائل

أبمثل أهل البيت يا

مغرور ويحك أنت هازل

دع عنك أسباب الخلاعه

واستمع منى الدلائل

بالأمس حين جحدت

من افضالهم بعض الفضائل

فى أبيات، قال ابن الشرفيه:

وفرات المناقب التى صنفها ابن المغازلى بمسجد
الجامع بواسط... فى مجالس سته اولها لأحد رابع
اصفرا و آخرهن عاشر صفر سنه ٥٨٣ فى أمم
لا يحصى عددهم، وكانت مجالس ينبغى أن
تؤرخ، وكتب قارئها بالمسجد الجامع على بن
محمد ابن الشرفيه.

بايان آنچه خواستيم نقل كنيم از مقاله مرحوم
آقاى طباطبائى. و در مجله «كتاب ماه دين» شماره
(٣٥) ص ١٢ به نقل از كتاب درر الادب نوشته
پادشاه حماه (از بلاد شام) منصور آيوى محمد بن
عمر بن شاهنشاه بن أيوب از ص ١٠ چنین نقل
مى كند: ایشان روایت کرده از على بن محمد بن
ابى نزار ابن الشرفيه الواسطى اجازه و مناو له سال
٥٩٩ از شاذان بن جبريل قمى.

نسخه مناقب ابن المغازلى كه از روى آن كتاب
مناقب چاپ شده، از روى نسخه ابن الشرفيه
استنساخ شده، و نسخه ابن الشرفيه در تاريخ ١٢
/ شوال / ٥٨٥ ق نوشته شده است، چنانچه در
صفحه ٤٢ ذكر شده است، و تاريخ (٥٨٥) با تاريخ
قبلى منافاتى ندارد زيرا گاهى چند نسخه با
تاريخهاى مختلف نوشته مى شده، سپس اين
نسخه به شهر «حلب» و از آنجا به يمن منتقل شده
است.

ابن الشرفيه در سال ٥٧١ مناقب ابن مغازلى را
خوانده و اجازه روایت آن را دریافت کرده
چنانچه در مقدمه مناقب ابن مغازلى و محاسن
الأزهار محلى ص ٤٤ و ٧٥ چاپ اول آمده است.
در پایان تاريخ واسط در صفحه ٢٦٤ آنجا كه راويان
كتاب را ذكر مى كند چنین آمده است: «والرئيس
الأجل جمال الدين أبو الحسن على بن محمد بن

الشرفیه... فی مجالس آخرها رابع عشر من ذی القعدة سنه ۵۷۳».

از نوشته های ابن الشرفیه کتاب «البالباب فی مناقب ابي تراب» می باشد که مرحوم سید محسن امین در اعیان الشیعه ج: ۸ ص ۳۳۱ آن را ذکر نموده و نام مؤلف را علی بن محمد بن شرف الواسطی قید کرده است. و در کتاب المحتضر از حسن بن سلیمان حلّی که از شاگردان شهید اول می باشد در ص ۱۱۱ کتاب رابه نام «الباب» ذکر کرده است.

در هر صورت با توجه به منابع مؤلف و تاریخ برخی از نسخه های خطی، فهمیده می شود که مؤلف عیون الحکم اگر خود ابن الشرفیه نباشد، معاصر او خواهد بود، و نیز هیچ اطلاعی از مذهب ابن الشرفیه نداریم، و بعید نیست که شیعه و یا شافعی مذهب باشد.

شیوه تحقیق

مرآة تحقیق کتاب به ترتیب زیر انجام یافته است: ۱. تحقیق این کتاب با مراجعه به دو نسخه و تلفیق آنها انجام گرفت، نخست نسخه کتاب ناسخ التواریخ که کاملتر بود و بارمز (ت) مشخص شده است، و سپس نسخه کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی که قدیمی ترین نسخه شناخته شده کتاب بود و بارمز (ب) مشخص شده است.

۲. تمام احادیث کتاب بر غرر الحکم چاپ دانشگاه تهران تحقیق محدث ارموی و شرح خوانساری عرضه شد زیرا همان گونه که قبلاً گفتیم اکثر قریب به اتفاق کتاب از غرر الحکم گرفته شده، و نیز از غرر الحکم چنانچه و بیروت که ناقص است و دارای غلطهای فراوان می باشد، استفاده شده است. گاهی نیز به کتابهایی مانند نهج البلاغه و خصال شیخ صدوق و بحار الانوار و کتابهای لغت برای تصحیح و تخریب و تحقیق مراجعه شد.

۳. حکمتهای تکراری که نشان از بی دقتی مؤلف بوده

از کتاب حذف شده، و برخی از اشتباهات مؤلف تصحیح گردیده، از جمله اشتباه بین (ض) و (ظ) و بین (لا) ناهیه و (لا) نافیه، همچنین تمام احادیث کتاب شماره گذاری شده است.

۴. اعراب گزاریهها و حرکات و سکنات کلمات در بسیاری از موارد حتمی نیست و به هر حال جزو نسخه نمی باشد و بر حسب ذوق و سلیقه تنظیم شده است، و اگر شکلها و حرکات دیگری برای هر کلمه یافت شود، می توان آنها را تغییر داد. هم اکنون مقدمه مؤلف را که در چاپ نیامده تقدیم خوانندگان گرامی می نمایم.

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين الحمد لله فائق الحبه، وبارئ النسمه، موجد الاشياء بعد العدم، وخالق الانوار والظلم، ممرض الاجسام ومبرئها بعد السقم، احمده حمداً استوجب به جزيل النعم، وأشكره شكر عبد راض منه بما حكم وقسم، وأشهد أن لا اله الا الله وحده لا شريك له، شهادة أذخرها ليوم تزل فيه القدم، وأشهد أن محمداً صلى الله عليه وآله و سلم عبده و رسوله المبعوث الى سائر الأمم، من بشرية الغرأ لسائر الشرائع ختم، صلى الله عليه و على أهل بيته الطيبين الطاهرين أولى البيت و الحرم، والمقام وزمزم، وعلى المنتجبين من أصحابه المخصوصين بالدين والكرام. أما بعد، فإنّ الذي حداني على جمع فرائد هذا الكتاب، من حكم أمير المؤمنين أبيغ لا الجاحظ، حين جمع الاميه حكمه الشارده عن الاسماع، الجامعه انواع الانتفاع التي جمعها من كلام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع)، فكثر تعجبي منه، وزاد تفكري فيه، مع كونه علام زمانه و وديداً في آفرانه، مع ما منح به من غزارة فهمه، وخص به من خصائص العلم، كيف رضي لنفسه أن يقنع من البحر بالوشل، ومن الكثير بالأقل، ولو كوني رأيت أكثر طالبي العلم مغرورين بزخارف الموهين، منحرفين عن سنن الحق ووضوح البراهين، لأن العلم غزير وليس كله بنافع، والخلق كثير وليس كله للضوابط تابع. فلزمت نفسي أن أجمع

قليلاً من حكمه، ويسيراً من خطير كلمه، مجموعته من بلاغاته وعظاته، وآدابه وأدعيته ومناجاته، وأوامره ونواهيته ١٧/ب (وزواجره، ما تخرس البلغاء عن مساجلته، وتبلس الحكماء عن مشاكلته، وما أنا علم الله تعالى - الا كما معترف من البحر بكفه، والمعترف بالتقصير في وصفه، فكيف لا وهو) (ع) الشارب من ينبوع النبوى، والجارى بين جنبه العلم اللاهوتى، خاصه مع كسوف البال، وقصورى عن رتبه الكمال، واعترا فى بالعجز عن أدراك الأوائل، وكونى لم أحظ من رتبه العلم بطائل، بل معترف بتقصيرى عن الجرى فى ميدانهم، ونقص وزنى عن أوزانهم. وجعلت ما جمعتها طريقاً لنجا المكلفين، ومصباحاً يضى للمسترشدين، وسميته بكتاب «عيون الحكم والنواظير وذخيرته المتعظ والواعظ» اقتضته من كتب متبده، ومضامٍ منشرده ومصنفات مشهوره، مسنده لى ائمه مقطوع بفضلهم ورتاستهم و أماناتهم فى رواياتهم وتقلهم. مثل:

١. كتاب نهج البلاغه جمع الرضى ذى الحسين.

٢. وما كان جمعه أبو عثمان الجاحظ.

٣. ومن كتاب دستور أمعالم الحكم و مآثور مكارم الشيم، جمع القاضي أبى عبدالله محمد بن سلامه بن جعفر بن على القضاعى.

٤. ومن كتاب غرر الحكم و درر الكلم، جمع القاضي أبى الفتح عبدالواحد بن محمد بن عبدالواحد الامامى التميمى، وهو من كتاب مناقب الخطيب أحمد بن مكى الخوارزمى خطيب خوارزم.

٥. ومن كتاب منثور الحكم.

٧. ومن كتاب الفران و القلائد تأليف القاضي أبى يوسف يعقوب بن سليمان الأسمرائى.

٨. ومن كتاب الخصال تأليف الشيخ أبى جعفر محمد بن على بن بابويه وغيرهم من أصحاب التصانيف المألوفه ذكرهم و ذكر أسانيدهم لظال على وقع منه الضجر والملال. وقد وضعته ثلاثين باباً، وأحد وتسعين فصلاً، ثلاثه عشر ألفاً وستميه وثمانيه؛ او عشرين حكيمه. منها على حروف المعجم تسعه و عشرون باباً، والباب الثلاثون أوردت فيه مختصرات من التوحيد والوصايا ومدمه الدنيا والمواظ

والأدعيه والمكاتبات، ما اختصرته واستحسنته و استصوبته، فنيتم الواقف على هذا الكتاب، وليستر بكرمه ما يجديه من خلل فى التأليف، ويصفح بحدوده عما يثر به من زلل فى الترتيف، ويمدنى بالدهاء بالعفو والعافيه فى الدنيا والاخره، أذنه سميع مجيب، ومن الأجابه قريب. الباب الأول:

فى حكم أمير المؤمنين على بن أبى طالب (ع) فى حرف الألف وهى تسعه عشر فصلاً، أربع آلاف ومى أربعه وستون حكمه الفصل الأول...». وبقية در مطبوع آمده است، واز ابتدای باب چهارم به بعد دو هو ثلاثة اصول «ابن أمار افتاده است: «مأ (و) خمس وأربعين حكمه». و در باب هفتم: «و هو فصلان مأ (و) خمس وأربعين حكمه». و از باب دهم: «و هو فصلان ست و تسعون حكمه». و از باب شانزدهم: «و هو فصلان سته و تسعون حكمه». و از باب هيجدهم بعد از «و هو خمسة

فصول: «مأتان و ثلاث و ثلاثون حكمه». و از باب ٢٠: «مأ و اثنان و خمسون حكمه». بعد از: «و هو فصلان ٢١: «مأتان و خمس حكمه». و از باب ٢٢: «مأ و سبع عشره حكمه» بعد از

«و هو سبعة فصول». و از باب ٢٣: «ثلاثاً و عشره حكمه». بعد از «سبعه فصول». و از باب ٢٤: «ألف و أربعاً وست و خمسون حكمه» بعد از «فصول»، و از باب ٢٥: «ب» بعد از «فصلان»: «مأ و عشر حكمه»، و از باب ٢٦: «ب» نسخة «ب» حرف «ه» مى باشد، و از

باب ٢٨: «ب» بعد «فصلان»: «سبعاً (أو) أربع و ثلاثون حكمه». و در پايان نسخه «ب» چنين آمده است: تم الكتاب تكاملت نعم السرور لصاحبه وعفا الآله بحدوده وبفضله عن كاتبه وهو فقير عفو ربه التقدير على بن يوسف المقدسى غفر الله له ولوالديه ولجميع المسلمين بتاريخ نهار الأربعاء رابع عشر جمادى الاخره سنة الثنتين و تسعين (لوحه) ثمانميه، والحمد لله وحده وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم تسليماً كثيراً دائماً

كى يوم الدين. يلوح الخط فى القرطاس دهرًا.